

مركز جهانی علوم اسلامی

جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

توکل از دیدگاه قرآن و حدیث

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فقه و معارف اسلامی

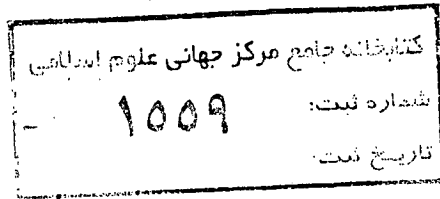
نگارش؛ قرآن

نگارش؛ جلیل قلی زاده

استاد راهنما؛ حجة الاسلام و المسلمین حبیب الله احمدی

استاد مشاور؛ حجة الاسلام و المسلمین سید جعفر صادق قدکی

اردیبهشت ۱۳۸۶



- ❖ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه، به عهده نویسنده می باشد.
- ❖ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع، بلا اشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهدا

این جزوه ناچیز را، به بهترین و شریف‌ترین مخلوقات عالم پیامبر اعظم محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت مطهرش اهدا می‌کنم که مودت و محبت آنان راه فضایل و مقامات عالیه را به روی انسان باز نموده، در نتیجه، زمینه سعادت و شکوفایی انسان را فراهم می‌کند.

تقدیر و تشکر

با حمد و سپاس از خداوند متعال که انگیزه و توفیق تحقیق را به این بنده حقیرش بخشید. از استاد راهنما: جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حبیب الله احمدی (دام ظلّه العالی) و استاد مشاور جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای سید جعفر صادقی فدکی (حفظه الله) قدردانی و سپاسگذاری می‌کنم که با راهنمایی‌های مفید و مشاوره‌های راه‌گشایی خود، این جانب را در به ثمر رساندن تحقیق یاری نمودند. همچنین، از مسئولان مرکز جهانی علوم اسلامی و مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی که با طرح و برنامه‌ریزی دقیق‌شان، زمینه شکوفایی و بروز استعدادهای نهفته طلاب علوم دینی را فراهم کرده‌اند، صمیمانه تشکر می‌نمایم. و نیز از مسئولان دل‌سوز و قدرشناس کتابخانه‌ها که در امور تهیه منابع و مطالب پایان‌نامه‌های محققان بهترین کمک و همکاری را مبذول داشته‌اند، خالصانه تشکر می‌کنم و در پایان، از خداوند متعال برای همه خادمان به دین مقدس اسلام، توفیق روز افزون خواستارم.

چکیده

از ویژگی‌های ایمان به خداوند متعال، کار خود را به او سپردن، در طول زندگی به آن ذات اقدس، اعتماد کردن و در همه حال (چه در حال سختی و چه حال آسایش) از وی کمک خواستن است. و نیز باور داشتن به این حقیقت که حضرت حق، کارگزار جهان هستی بوده، بر هر چه اراده کند، قادر است و بخشش، منع، روزی دادن، محروم ساختن، پیروزی، شکست، پیشرفت، و عدم پیشرفت نشانه جایگزینی ایمان در قلب مومن می‌باشد.

«توکل کردن بر خدای متعال ره‌توشه مؤمنان در طول زندگانی است که در هنگام مصائب به آنان، آرامش خاطر می‌بخشد و از گرفتاری در معرکه زندگی نگره می‌دارد. و دل‌های ایشان را از عزت، آرامش و پایداری در برابر سختی‌ها و مشکلات و نیز غلبه بر آن‌ها سرشار می‌سازد.»^۱

«توکل، درجه‌ای از درجات دین و مقامی از مقامات مردم با یقین است، بالاتر از این، توکل از عالی‌ترین درجات مقربان است و هرگاه بخواهیم، توکل را از راه علم ثابت کنیم، از جمله مسائلی مشکل است که به زودی دست حل علمی به آن نمی‌رسد و از نظر عملی، کاری است، بس دشوار و پرمشقت. علت مشکل بودن آن از نظر علم آن است که هرگاه بخواهیم، اسباب را در آن مداخلیت دهیم و به آن‌ها اعتماد کنیم، مسلماً راه شرکی برای خود ایجاد می‌نماییم که با توحید سازگار نیست و شرع از چنین عملی کاملاً جلوگیری کرده و توجه به اسباب چنان است که در بحر بی‌کران جهل فرو رفته باشیم.»^۲

در قرآن عزیز و سیره ائمه اطهار(علیهم السلام) آیات و روایاتی فراوان هستند که توکل‌کنندگان را تمجید و ستایش می‌کند و مؤمنان را بر کسب صفت توکل و یقین، تشویق و ترغیب می‌نماید.

خدای سبحان، در قرآن، همه را به توکل فراخوانده، آن را شرط ایمان به شمار آورده و فرموده است: **وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**^۳؛ و اگر ایمان دارید، فقط بر خدا تکیه کنید! از منظر قرآن متوکلان، محبوب خدایند: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ**^۴؛ به راستی خدا متوکلان را دوست می‌دارد.

۱. مسلم، صاحبی، سرچشمه‌های نور، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷، اول، ص ۷۶.

۲. محمد بن مرتضی کاشانی، اخلاق حسنه، مترجم محمد باقر ساعدی، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۲، ششم، ص ۲۵۲.

۳. مانده(۵)/۲۳.

۴. آل عمران(۳)/۱۵۹.

بنابراین، جا دارد که انسان در ایمانش با توکلش بر خداوند قادر و مهربان، ثابت قدم باشد و محبوب بودن در نزد خدا را به دست بیاورد.

آشنایی با مفهوم و معنای قرآنی و سنتی توکل، ضرورتی اجتناب ناپذیر است؛ زیرا این مفهوم بلند آسمانی دستخوش تحریف و برداشت های نادرست گردیده است. برخی کج اندیشان، توکل را با بهره گیری از اسباب و ابزار طبیعی، ناسازگار دانسته و با کاهلی و تنبلی یکی انگاشته اند.

به راستی ماهیت و حقیقت توکل چیست؟ جایگاه توکل در نظام اعتقادی اسلام کجا است؟ نیاز انسان به توکل برای چیست؟ توکل از دیدگاه قرآن چیست؟ چرا انسان باید بر خدا توکل کند؟ نقش توکل در زندگی فرد و جامعه چیست؟ میان صبر، تفویض، تسلیم، رضا و توکل چه رابطه ای برقرار است؟ اسباب توکل کدام اند؟ توکل دارای چند درجه است؟ توکل، چه آثار، نتایج و پیامدهایی دارد؟ نظر اسلام درباره توکل و توکل چیست؟ آیا استفاده از وسایل و توسل جستن به اسباب مشروع با توکل منافاتی دارد؟ آیا معنای توکل کردن به خداوند، دست کشیدن از سعی و کوشش است؟ آیا انسان می تواند با توکل کردن بر خداوند، اعتماد به نفس هم داشته باشد؟ اعتماد به غیر خدا چه پیامدهایی به دنبال دارد؟

این ها مهم ترین پرسش هایی اند که در این پایان نامه بدان پاسخ داده ایم.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: کلیات

الف) طرح تحقیق ۴

۱. تعریف مسأله و بیان سؤال اصلی ۴

سوال اصلی ۴

سوالات فرعی ۴

۲. سابقه تحقیق و ضرورت تحقیق ۴

۳. فرضیه‌ها ۴

۴. هدف‌ها ۵

۵. جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق ۵

۶. روش انجام تحقیق ۵

۷. روش و ابزار گردآوری اطلاعات ۵

۸. قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی) ۶

ب) مفهوم شناسی ۷

توکل در لغت ۷

تعاریف توکل به خدا ۹

فصل دوم: اهمیت توکل در اسلام

جایگاه توکل در نظام اعتقادی اسلام ۱۳

نیاز به توکل ۱۵

توکل از دیدگاه قرآن ۱۶

دستور توکل به تمام مومنان ۱۹

توکل اخلاق تمام پیامبران ۲۰

چرا فقط بر خدا توکل کنیم؟ ۲۳

نقش توکل در زندگی فرد و جامعه ۲۶

فصل سوم: فرق توکل با مفاهیم مشابه

۳۲ توکل، تفویض و تسلیم
۳۶ تقوا و توکل
۴۰ توکل و صبر
۴۵ مقام رضا و توکل
۴۹ خیرخواهی خدا برای بنده

فصل چهارم: اسباب و درجات توکل

۵۵ الف) اسباب توکل
۵۵ ۱. ایمان به خدا
۶۰ ایمان، توکل و امداد الهی
۶۲ ۲. یقین
۶۵ ب) درجات توکل

فصل پنجم: آثار توکل

۷۲ ۱. قدرت بر تصمیم‌گیری
۷۲ ۲. رهایی از سلطه و سیطره شیطان
۷۳ ۳. محبوبیت الهی
۷۳ ۴. برخورداری از بهترین وکیل
۷۴ ۵. افزایش مقاومت در برابر مشکلات
۷۵ ۶. آرامش و اطمینان قلبی
۷۷ ۷. اعتماد به نفس
۷۷ ۸. توکل، عامل رشد و کمال
۷۸ ۹. کفایت الهی
۸۲ ۱۰. پیروزی بر دشمن
۸۴ ۱۱. امنیت متوکلان

۱۲. عزت و کرامت ۸۴
۱۳. حسن ظن به عاقبت خود ۸۵
۱۴. بهره‌مندی از امدادهای غیبی ۸۷

فصل ششم: پاسخ‌گویی به شبهات

- توکل و توکل از نظر اسلام ۹۱
- سعی و توکل ۹۴
- مرز توکل و توسل به اسباب ۹۸
- اعتماد به نفس و توکل ۱۰۴
- اعتماد به غیر خدا ۱۰۸
- خلاصه ۱۱۸
- کتابنامه ۱۲۴

«توکل یکی از منازل دین و مقامی از مقامات اهل یقین، بلکه از عالی‌ترین درجات مقربین است. فهم دقیق آن، دشوار و عمل به آن دشوارتر است؛ زیرا در نظر آوردن اسباب و علل عادی و مادی، و اعتماد به آن‌ها، شرک به خدا است و از سوی دیگر، به کلی از اسباب و علل عادی، دست شستن نیز، طعن در سنت زدن و خدشه در شریعت کردن است.»^۱

البته با دقتی بیش‌تر می‌توان دریافت که لازمه دشواری فهم دقیق توکل، دشواری عمل به آن نیست. سالکان کوی حق در سیر و سلوک از این منزل می‌گذرند و موحدان و یکتاپرستان در این موقعیت و مقام لختی می‌آرمند. آنان که به سوی قله قرب قدم برمی‌دارند، این مرحله را در می‌نوردند. ره‌توشه تلاش و توکل، از لوازم حتمی این سفر روحانی است. از این رو کتاب و سنت، دست در دست یکدیگر، به توکل ترغیب کرده و مومنان را به سوی آن فراخوانده‌اند.

صاحب توکل به مقام محبت خدای تعالی دست می‌یابد و کفایت خدای سبحان برای او ضمانت شده است و چنین کسی به فوز عظیم نائل گردیده است؛ زیرا محبوب خدا به عذاب دچار نمی‌گردد و از درگاه حق، دور نمی‌شود و میان او و خدای سبحان حاجب و مانعی قرار نمی‌گیرد.

کسی که توکل را ترک کند و با کفایت دیگران، دل خوش دارد، آیه شریفه «الیس الله بکاف عبده»^۲؛ آیا خداوند بنده‌اش را کافی نیست؟ را تکذیب کرده است؛ زیرا این پرسشی است که آدمی را در معرض بازخواست حق قرار می‌دهد.

درپاره‌ای از آیات بر این واقعیت تأکید می‌شود که: آنان را که به جای خدا به دعا می‌خوانید، بندگانی چون شمایند. «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ»^۳

تمام ما سوی الله بنده مسخر خدا و چون ما نیازمندند، ما چگونه بر آنان تکیه و توکل می‌کنیم؟

۱. ابوحامد محمد غزالی، احیاء علوم الدین، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱ هـ.ش، ج ۴، ص ۴۱۷.

۲. زمر (۳۹)/۳۶.

۳. اعراف (۷)/۱۹۴.

آیات توحیدی قرآن، شامل تنبیه و توجه به این نکته است که از اغیار باید چشم پوشید و بر خدای واحد باید توکل کرد.^۱

توکل بر خداوند هم آدمی را به مقصود می‌رساند و هم جنبه عبادی دارد و برای آن ثواب و پاداش در نظر گرفته شده است.

اما صادق(ع) می‌فرماید: «ان الغنی و العز یجولان، فاذا ظفرا بموضع التوکل اوطناً؛ بی‌نیازی و عزت در جستجوی منزلگاه توکلند و چون به آن دست یابند در آن می‌آرمند.»

اهل توکل، اهل بی‌نیازی و عزتند و با توکل کردن بر خداوند، انسان نمی‌تواند به حقیقت عزت و بی‌نیازی دست یابد.

۱. ابو حامد محمد غزالی، پیشین، ج ۴، ص ۴۲۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، دار صعب، بیروت، چهارم، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۲، ص ۶۵.

فصل اول

کلیات

الف) طرح تحقیق

۱. تعریف مساله و بیان سوال اصلی تحقیق

توکل، یکی از مفاهیم به کار رفته در معارف دینی ما است که مؤمنان و متدینان بسیار از آن استفاده می‌کنند. علاوه بر این که مشی آنان در زندگی، بر همین اساس است؛ باید دید از این عنوان، در آیات و روایات چه چیزی قصد شده است؛ از این رو، پاسخگویی به سوالات زیر لازم است:

سوال اصلی

۱. حقیقت و معنای توکل از نظر قرآن و روایات چیست؟

سوالات فرعی

۱. تفاوت توکل با رضا، تسلیم و تفویض چیست؟

۲. اساس توکل از دیدگاه آیات و روایات کدامند؟

۳. ارکان و درجات توکل، از دیدگاه آیات و روایات کدامند؟

۴. مفهوم توکل، از دیدگاه دانشمندان اسلامی چیست؟

۵. آیا توکل، با توسل به اسباب منافاتی دارد، یا نه؟

۶. علت توکل به خدا از نظر قرآن چیست؟

۷. آیا انسان، با توکل بر خداوند و اعتماد به نفس می‌تواند، در برابر مشکلات پایداری کند یا نه؟

نه؟

۲. سابقه و ضرورت انجام تحقیق

درباره توکل، از دیدگاه قرآن و حدیث، کم‌تر کار مستقل صورت گرفته است، و با توجه به نقش آن در زندگی روزمره، سعادت اخروی و دنیوی انسان‌ها، این بخش از معارف قرآن و سنت، باید به نحو مستقل بررسی و حقیقت این ارزش الهی روشن شود؛ بنابراین، لازم است، با دقت به ابعاد مختلف آن پرداخته شود.

۳. فرضیه‌ها

۱. منظور از توکل بر خدا در آیات و روایات، این است که انسان تلاشگر، کار خود را به او

واگذار می‌کند و حل مشکلات خویش را از او می‌خواهد.

۲. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: **إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ**

ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ^۱.

در این آیه شریفه، نکته توکل بر خداوند بیان شده است؛ یعنی قدرت او بالاترین قدرت‌ها است. اگر به حمایت هر کس اقدام کند، هیچ کس نمی‌تواند، بر او پیروز گردد و اگر حمایت خود را از کسی برگیرد، هیچ کس به حمایت او قادر نمی‌شود، بنابراین، باید به چنین خداوندی، تکیه کرد و از او کمک خواست.

۳. دانشمندان اخلاق می‌گویند: توکل ثمره مستقیم توحید افعالی است، یعنی، هر پدیده‌ای که در

جهان صورت می‌گیرد، بالاخره با علت نخستین این جهان، یعنی ذات خداوند ارتباط می‌یابد؛ بنابراین، یک موحد همه قدرت‌ها و پیروزی‌ها را از او می‌داند.

۴. هدف‌ها

۱. به دست آوردن معنای صحیح توکل، از زبان آیات و روایات.

۲. مؤمنان و متدینان با پی بردن به معنای صحیح و جایگاه توکل در زندگی انسان، بتوانند به

شکل صحیح و اصولی این مفهوم را در متن زندگی خود به اجرا بگذارند و در نتیجه - انشاء الله - سعادت اخروی و دنیوی خود را تامین کنند.

۵. جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

هر چند، درباره توکل، تالیفات متعددی وجود دارد؛ ولی، به صورت مستقل، از دیدگاه آیات و

روایات بررسی نشده است؛ بنابراین، در این تحقیق، بر آنیم که موضوع نامبرده را بررسی نموده و درباره برخی مباحث که کم‌تر بررسی شده‌اند، بحث نمائیم.

۶. روش انجام تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای (مطالعه) استفاده شده است.

۷. روش و ابزار گردآوری اطلاعات

با استفاده از منابع و مآخذ کتاب‌ها (کتابشناسی) و استفاده از کامپیوتر، جمع‌آوری فیش‌ها و در

نهایت جمع بندی آنها.

۱. قلمرو تحقیق

۱. موضوع تحقیق، به یک زمان محدود نیست؛ البته، از آن جا که منبع آن قرآن و سنت است، بنابراین، از زمان ارسال پیامبران الهی که قرآن از سرگذشت آنان و توکل آنها و پیروان شان به خداوند سخن به میان آورده بررسی می شود، از جهت انتهای زمانی هم، به یک زمان محدود نیست و تا قیامت جاری است.

۲. موضوع تحقیق به یک مکان محدود نیست، در همه مکان ها و در همه جوامع انسانی جاری است.

۳. توکل، یکی از مفاهیم کلیدی معارف دینی است؛ قید نخست آن در این تحقیق، از دیدگاه قرآن کریم و قید دومش از دیدگاه حدیث بررسی شده است.

ب) مفهوم‌شناسی

توکل در لغت

کلمه توکل در لغت به معنای اظهار عجز و اعتماد کردن بر دیگری است.

کلمه توکل از وکاله و یا وکاله مشتق شده است.

در لسان العرب می‌خوانیم:

و التوکل: إظهار العجز و الاعتماد علی غیرک. و وکیل الرجل الذی یقوم بامرہ، سُمی وکیلاً لأنّ موکله قد وکلَ إلیه القیام بامرہ فهو موکولٌ إلیه الأمر؛ توکل عبارت است از: اظهار کردن ناتوانی و اعتماد بر غیر تو. وکیل مرد، کسی است که کار موکلش را انجام می‌دهد؛ این نامگذاری، به خاطر آن است که موکلش کارش را به او واگذار کرده است.

الوکیل هو المقیم الکفیل بارزاق العباد، و حقیقتہ أنّه یستقل بامر الموکول الیہ. و فی التنزیل العزیز: ان لا تتخذوا من دونی وکیلاً؛ وکیل، کسی است که ارزاق بندگان را عهده‌دار می‌شود، و حقیقت وکیل شدن خداوند این است که مستقلاً کار واگذار شده را انجام می‌دهد، بدون این که از کسی کمک بگیرد، یا از کسی کمک بخواهد؛ چنانچه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: غیر از من، وکیلی انتخاب نکنید. و المتوکل علی الله؛ الذی یعلم ان الله کافل رزقه و أمره فیرکن الیہ وحده و لایتوکل علی غیره؛ کسی که بر خداوند توکل می‌کند، بر این که خداوند روزی و کارش را بر عهده گرفته است، علم دارد. بنابراین، بر او اعتماد و تکیه می‌کند و به غیر از او توکل نمی‌کند.

و وکلَ فلان فلاناً إذا استکفاه أمره ثقةً بکفایتہ أو عجزاً عن القیام بامر نفسه؛ کسی که دیگری را وکیل قرار می‌دهد یا به خاطر این است که به او اعتماد دارد که کارش را انجام می‌دهد، و یا این که خود موکل عاجز است از این که کارش را انجام بدهد.

در مصباح المنیر آمده است: وکلت الامر الیہ (وکلا) و (وکولاً) فوضته الیہ و اکتفیت به؛ کار را به او واگذار کردم و به او اکتفا کردم.

و الوکیل فعیل بمعنی مفعول لانه موکول الیہ و یکون بمعنی فاعل اذا کان بمعنی الحافظ و منه حسبنا الله و نعم الوکیل؛ وکیل، به معنای مفعول است، برای این که کار به او واگذار شده، به معنای

فاعل هم می‌آید، زمانی که به معنی نگهبان باشد. [به همین معنی است که در قرآن آمده: خداوند، ما را کافی است، و چه خوب نگهبانی است.]

و توکل علی الله اعتمد علیه و وثق به؛ بر خداوند توکل کرد، یعنی بر او اعتماد کرد و به او مطمئن شد.^۱

در کتاب العین آمده: ... وَكَلْتُهُ إِلَيْكَ أَكَلُهُ كَلَّةٌ أَيْ فَوَّضْتُهُ؛ کار را بر تو واگذار کردم. و الوکیل فعله التوکل و مصدره الوکالة؛ کار وکیل و اگذار کردن و بر غیر اعتماد کردن است. و کلمه توکل از کلمه وکاله مشتق شده است.^۲

در کتاب المنجد فی اللغة می‌خوانیم: و کَلَّ يَكِلُ وَ وَكُولًا إِلَيْهِ الْأَمْرُ أَيْ سَلَّمَهُ وَ تَرَكَهُ وَ فَوَّضَهُ إِلَيْهِ وَ اَكْتَفَى بِهِ؛ کار را بر او تسلیم کرد و بر او واگذار کرد و به او اکتفا کرد. وَ كَلَّ تَوَكُّلاً فَلَانًا؛ جَعَلَهُ وَكَيْلاً؛ فلانی را وکیل خود قرار داد.

الوکیل ج وکلاء: من يُعْتَمَدُ عَلَيْهِ فِي تَدْبِيرِ أَمْرٍ أَوْ يُفَوَّضُ إِلَيْهِ أَمْرٌ عَاجِزٌ وَ مَتَى وَصِفَ بِهِ اللَّهُ تَعَالَى يَكُونُ بِمَعْنَى الرِّزَاقِ الْكَافِي؛ جمع وکیل وکلاء می‌آید. و وکیل، کسی است که در تدبیر امور بر او اعتماد می‌شود، یا این که کار عاجز بر او واگذار می‌شود و وقتی که خداوند تعالی به این صفت وصف بشود، معنایش روزی دهنده و کفایت کننده می‌آید.^۳

راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: التوکلُ أَنْ تَعْتَمِدَ عَلَى غَيْرِكَ وَ تَجْعَلَهُ نَائِبًا عَنْكَ وَ تَوَكَّلْتَ عَلَيْهِ بِمَعْنَى اعْتَمَدْتُهُ؛ توکل، به معنای تکیه کردن بر دیگری و وا گذاشتن کار به کسی، و به این که دیگری را از طرف خود نائب قرار بدهی.

وقتی که می‌گوئی بز او توکل کردم؛ یعنی بز او اعتماد کردم، و کارم را بز او واگذار کردم.^۴ در مجمع البحرین طریحی آمده است: الاصل فی التوکل اظهار العجز و الإعیاء و التوکل علی الله، انتطاع العبد الیه فی جمیع ما یأمله من المخلوقین؛ اصل، در توکل، اظهار عجز کردن است. و معنای توکل کردن بر خداوند، این است که انسان، تمام خواسته‌هایش را از خداوند، بخواهد و به غیر

۱. احمد بن محمد، فیومی، مصباح المنیر، دار الهجرة، اول، ۱۴۰۵هـ.ق، ص ۶۷۰.

۲. خلیل ابن احمد، فراهیدی، کتاب العین، منشورات دار الکتب العلمیة، بیروت، ج ۴، ص ۳۹۷.

۳. لوتیس معلوف، المنجد فی اللغة، انتشارات ذوی القربی، چهارم ۱۳۸۱هـ.ش، ص ۹۱۶.

۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، امیران، سوم، ۱۳۸۲هـ.ش، ص ۸۸۲.

خداوند امید نداشته باشد.^۱

در نهایی آمده است: و الْوَكِيلُ هُوَ الْقَيِّمُ الْكَفِيلُ بِأَرْزَاقِ الْعِبَادِ، وَ حَقِيقَتُهُ أَنَّهُ يَسْتَقِلُّ بِأَمْرِ الْمَوْكُولِ إِلَيْهِ؛ وکیل، کسی است که روزی دادن بنده اش را به عهده گرفته و به این کار قیام کرده است. حقیقت وکیل شدن این است که قدرت دارد، مستقلا کار واگذار شده را انجام دهد.

و وَكَلْتُ أَمْرِي إِلَى فُلَانٍ: أَي أَلْجَأْتُهُ إِلَيْهِ وَ اعْتَمَدْتُ فِيهِ عَلَيْهِ؛ کارم را به فلانی واگذار کردم؛ یعنی کار را به عهده او گذاشتم و به او سپردم و بر او اعتماد کردم.^۲

پس دانسته شد که توکل از کلمه وکاله و یا وکاله مشتق شده است و معنای توکل در لغت به معنای اظهار عجز کردن و بر دیگری اعتماد کردن و کار را به او وا گذاشتن و به او مطمئن شدن است. وکیل مرد، کسی است که کار موکلش را انجام می‌دهد، و وقتی که خداوند تعالی به این صفت وصف بشود، معنایش روزی‌دهنده و کفایت‌کننده می‌آید. کسی که بر خداوند توکل می‌کند، بر این که خداوند روزی و کارش را بر عهده گرفته است، علم دارد.

تعاریف توکل به خدا

نراقی (ره) می‌گوید: التوکل اعتماد القلب فی جمیع الامور علی الله، و بعبارة اخرى: حوالة العبد جمیع أموره علی الله، و بعبارة اخرى، هو التبری من کل حول و قوة، و الاعتماد علی حول الله و قوته. و هو موقوف علی أن یعتقد اعتقادا جازما بأنه لا فاعل الا الله، و أنه لا حول و لا قوة الا بالله، و ان له تمام العلم و القدرة علی کفاية العباد، ثم تمام العطف و العناية و الرحمة بجملة العباد و الآحاد، و انه لیس وراء منتهی قدرته قدرة، و لا وراء منتهی علمه علم، و لا وراء منتهی عنایتة عنایتة، فمن اعتقد ذلك اتكل قلبه لا محالة علی الله و حده، و لم یلتفت الی غیره، و لا الی نفسه اصلا؛ توکل، عبارت از اعتماد کردن قلب بنده در جمیع امورش بر خداوند تعالی است. و به عبارت دیگر حواله کردن بنده، تمام کارهایش را بر خداوند متعال. و به عبارت واضح‌تر: توکل، یعنی بیزاری از هر حول و قوه‌ای و تکیه کردن بر حول و قوه خداوند. و حصول این صفت هم بر این بستگی دارد، که برای بنده اعتقاد صددرصدی حاصل شود که

۱. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، مکتب نشر الثقافة الاسلامیة، دوم ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۴، ص ۵۴۶.

۲. محمد الشیبانی الجزری، ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، دار احیاء التراث العربی، بیروت لبنان، اول، ۱۴۲۲ هـ.ق، ج ۴ ص ۱۵۰۹.

۳. محمد مهدی، نراقی، جامع السعادات، مطبعة النجف، ۱۳۸۳ هـ.ق، ج ۳، ص ۲۱۸.

فاعلی غیر از خداوند تعالی در کار نیست و هیچ حول و قوه‌ای نیست، جز حول و قوه الهی. و تمام علم و قدرت بر کفایت کردن امور بندگان برای خداوند است. بنابراین، مهربانی‌ها، عنایت‌ها و رحمت‌ها به تمام خلق، از طرف خداوند هستند و اعتقاد به این که بالاتر از قدرت او قدرتی نیست. و فوق علم او علمی نیست و عنایت و مهربانی از عنایت و مهربانی او افزون‌تر نیست. بنابراین، کسی که این اعتقاد را داشته باشد، البته دل او، به خدا تکیه می‌دارد و بس. و به غیر او التفات نمی‌کند؛ بلکه در امور خود، به خود نیز ملتفت نمی‌شود.

ملا احمد نراقی (ره) می‌گوید: توکل، عبارت است از اعتماد کردن و مطمئن بودن دل بنده، در جمیع امور خود، به خدا، و حواله کردن همه کارهای خود را به پروردگار، و بیزار شدن از هر حول و قوه‌ای و تکیه بر حول و قوه الهی نمودن.^۱

سید عبد الله شبر (ره) می‌گوید: توکل، یکی از منازل دین، و مقامی از مقامات اهل یقین، بلکه یکی از معانی درجات مقربان است.

توکلی که در شرع مقدس به آن امر شده، عبارت است از این که قلب در تمام امور به خدا اعتماد نموده و از غیر او منقطع شود.^۲

در المحجة البيضاء می‌خوانیم: وکیل، کسی است که موکل بر او اطمینان داشته باشد و بر او اعتماد کند، و در انجام کاری او را متهم نکند و درباره او به عجز و قصور معتقد نباشد. بنابراین، توکل، عبارت است از اعتماد کردن و مطمئن شدن قلب بر وکیل فقط.^۳

علامه مجلسی در تعریف توکل می‌نویسد: انّ التوکل لیس معناه ترک السعی فی الامور الضرورية، و عدم الحذر عن الامور المحذورة بالکلیة، بل لا بدّ من التوسل بالوسایل و الاسباب علی ما ورد فی الشریعة من غیر حرص و مبالغة فيه و مع ذلك لا يعتمد علی سعيه و ما يحصله من الاسباب بل يعتمد علی مسبب الاسباب؛ توکل، به معنای ترک کوشش در امور نیست؛ همان طور که مفهوم توکل، عدم پرهیز از امور غیر ممکن و محذور هم نیست؛ بلکه در انجام امور، باید به مسبب اصلی توجه کرد و به اسباب آن توسل جست.

۲. ملا احمد، نراقی، معراج السعادة، موسسه انتشارات هجرت، نهم، ۱۳۸۲ هـ.ش، ص ۷۵۸.

۳. سید عبد الله، شبر، اخلاق، مترجم، محمد رضا جباران، موسسه انتشارات هجرت چهارم، ۱۳۷۸ هـ.ش، ص ۴۲۴.

۳. محمد بن مرتضی کاشانی، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ج ۷، ص ۴۵۷.

۴. محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، اسلامیه طهران، ۱۳۷۴ هـ.ش، سوم، ج ۷۱، ص ۱۲۷.